

An autopsy of the effects of Azerbaijan's security challenges on economic relations with the Islamic Republic of Iran

Morteza Hosseinzadeh Moghadam PhD Student in Iranian Studies, Department of Iranian Studies, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. Email: M.mortaza@kiaau.ac.ir

Fakhroeddin Soltani Corresponding Author, Assistant Professor of International Relations, Department of International Relations, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. Email: F.soltani@kiaau.ac.ir

Rahim Khasto Assistant Professor of Iranian Studies, Department of Iranian Studies, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. Email: r.kasto1345@kiaau.ac.ir

Mir Ebrahim Seddigh Assistant Professor of Iranian Studies, Department of Iranian Studies, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. Email: Mir.saddigh@kiaau.ac.ir

Article Info

Article Type:
Research Article

Keywords:
Economic Security,
Globalization,
Azerbaijan,
Investment

ABSTRACT

Economic security refers to the ability of a country to provide for the basic needs and well-being of its citizens. The central question and objective of this research is what impact has Azerbaijan's security approach had on Iran's economic security, especially in the years 2018 to 2023. The method used in this research is descriptive-analytical. Given Iran's internal crises, increasing international pressure and isolation, and the changing geopolitical landscape in the South Caucasus, it has added further complexity to the tense relations between the Republic of Azerbaijan and Iran. Although there has been a partial de-escalation in Baku-Tehran relations recently, a peaceful intra-regional partnership based on mutual trust has not yet been achieved. Thus, factors such as economic and trade partnerships can be game-changing factors for re-establishing regional dialogue and reviving pragmatic partnership. Considering the elements affecting the security policy of Azerbaijan, it can be said that the security policies of the Republic of Azerbaijan affect Iran's economic security at various micro and macro levels. In this regard, we can mention issues such as the reduction of economic relations, the securitization of the region and the reduction of investment, the impact on Iran's economic relations with other countries in the region such as Turkey, and the lack of development of border areas.

Cite this Article: Hosseinzadeh Moghadam, M. , Soltani, F. , Khastu, R. and Seddigh, M. E. (2025). Dissection of the effects of Azerbaijan's security challenges on economic relations with the Islamic Republic of Iran. *International Relations Researches*, 14(4), 233-254. doi: 10.22034/irr.2024.457271.2544



© Author(s)

Publisher: Iranian Association of International Studies

DOI: 10.22034/irr.2024.457271.2544



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کالبد شکافی تأثیرات چالش‌های امنیتی کشور آذربایجان

بر روابط اقتصادی با جمهوری اسلامی ایران

مرتضی حسین زاده مقدم دانشجوی دکتری مسائل ایران، گروه مسائل ایران، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

رایانامه: M.mortaza@kiauo.ac.ir

فخرالدین سلطانی نویسنده مسئول، استادیار روابط بین الملل، گروه روابط بین الملل، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

رایانامه: F.soltani@kiauo.ac.ir

رحیم خستو استادیار مسائل ایران، گروه مسائل ایران، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

رایانامه: r.kasto1345@kiauo.ac.ir

میر ابراهیم صدیق استادیار مسائل ایران، گروه مسائل ایران، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

رایانامه: Mir.saddigh@kiauo.ac.ir

درباره مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی کلیدواژه‌ها: امنیت اقتصادی، جهانی شدن، آذربایجان، سرمایه گذاری تاریخچه مقاله تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵	امنیت اقتصادی به توانایی یک کشور برای تأمین نیازهای اساسی و رفاه شهروندان اشاره دارد. هدف محوری این پژوهش بررسی آثار چالش‌های امنیتی باکو بر روابط اقتصادی آن با ایران است. روش استفاده شده در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است. با توجه به بحران‌های داخلی ایران، افزایش فشار بین‌المللی و انزوای و تغییر چشم انداز ژئوپلیتیکی در قفقاز جنوبی، پیچیدگی بیشتری به روابط پر تنش بین جمهوری آذربایجان و ایران بخشیده است. اگرچه اخیراً تنش‌زدایی جزئی در روابط باکو-تهران رخ داده است، اما هنوز یک مشارکت آرام درون منطقه‌ای مبتنی بر اعتماد متقابل حاصل نشده است. به این ترتیب، عواملی مانند مشارکت‌های اقتصادی و تجاری می‌توانند عوامل تغییر دهنده بازی برای برقراری مجدد گفتگوهای منطقه‌ای و احیای مشارکت عمل‌گرایانه باشند. با توجه به عناصر تأثیرگذار بر سیاست امنیتی کشور آذربایجان می‌توان گفت که سیاست‌های امنیتی جمهوری آذربایجان در سطوح مختلف خرد و کلان بر امنیت اقتصادی ایران تأثیرگذار است. در این راستا می‌توان به موضوعاتی همچون کاهش روابط اقتصادی، امنیتی شدن منطقه و کاهش سرمایه‌گذاری، تأثیر بر روابط اقتصادی ایران با سایر کشورهای منطقه همچون ترکیه، فقدان توسعه مناطق مرزی اشاره کرد.

استناد به این مقاله: حسین زاده مقدم، مرتضی، سلطانی، فخرالدین، خستو، رحیم و صدیق، میر ابراهیم. (۱۴۰۳). کالبد شکافی تأثیرات

چالش‌های امنیتی کشور آذربایجان بر روابط اقتصادی با جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌های روابط بین الملل، ۱۴(۴)، ۲۳۳-۲۵۴. doi:

10.22034/irr.2024.457271.2544

© نویسنده(گان)

ناشر: انجمن ایرانی روابط بین الملل





مقدمه

با توجه به در حال گذار بودن جهان و تغییرات دائمی در محیط بین المللی در تمام زمینه های سیاسی امنیتی و اقتصادی و پویایی تحولات و رویدادهای جهانی و همچنین برخی متغیرهای دیگر مانند اقدامات خصمانه دشمن از جمله تحریمها که ممکن است در اجرای برنامه تأثیرگذار باشد، سعی شده است تا سیاست ها در چارچوب برنامه های اجرایی کوتاه مدت (بین ۱ تا ۲ سال) به منظور نیل به راهبردهای میان مدت بنحوی تدوین گردید که قابل انطباق سریع با شرایط جدید باشد. برنامه فوق به نحوی تهیه گردیده است که از جهت میزان موفقیت و یا عدم موفقیت و دلایل و موانع عدم موفقیت احتمالی قابل محاسبه و ارزیابی دوره های بوده و در صورت لزوم قابلیت بازنگری و تغییر در اهداف و اولویتها را دارا باشد. از دیگر ویژگیهای این برنامه میان مدت، فعال و معطوف به آینده، قابل حصول و دسترسی بودن اهداف، داشتن قابلیت ارزیابی و دربرگیرنده نگاه به شرایط حال و پیشبینی آینده با در نظر گرفتن فرصتها و تهدیدات است. با توجه به پیشبینی احتمال فشارهای تحریمی و تهدیدی (احیاناً نظامی از نوع محدود یا گسترده) در مدت موردنظر برنامه، در صورت لزوم براساس آندسته از اهداف برنامه که در جلوگیری و تقابل با این گونه فشارها تأثیرگذاری بیشتری دارد، بعنوان اولویتهای اصلی مشخص گردیده است. با عنایت به متغیر بودن محیط بین المللی و وجود دهها متغیر دخیل در نظامهای ملی - منطقه ای و بین المللی که رفتار کشورها را شکل داده و بر آن تأثیر میگذارند امکان تدوین راهبردهای ثابت و همیشگی وجود ندارد اما با این حال با توجه به آن که در مرکز و هسته هر راهبردی در عرصه سیاست خارجی به خصوص در چهارچوب نگرش رئالیستی و ساختارگرایی حاکم بر محیط بین المللی گسترش نفوذ، کاهش آسیب پذیری، توان ائتلاف سازی و پیشینه سازی قدرت یک هدف ثابت به شمار می رود. رویکرد سیاست خارجی هر کشوری بر اساس عناصر مختلفی اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی شکل می گیرد که البته هدف همه این عناصر تحقق منافع ملی است. به همین دلیل کشورها در تدوین و عملیاتی کردن سیاست خارجی خود بر اساس واقعیت ها عمل می کنند چرا که منافع ملی با توجه به ظرفیت ها و توانایی ها هر کشوری تحقق می یابد. بالطبع بدیهی است که عامل سرزمین و فرهنگ در ابعاد مختلف از جمله زبان می تواند در پیشبرد سیاست خارجی تأثیرگذار بوده باشد. هر تحولی در سطح جهانی و منطقه ای با انگیزه های مشخصی از سوی بازیگران داخلی، منطقه ای و جهانی روی می دهد. بحران قره باغ در سال ۲۰۲۰ نیز با توجه به اهداف و منافع برخی بازیگران منطقه ای و جهانی شکل گرفت. جمهوری آذربایجان در چارچوب اختلافاتی که با ارمنستان، به ویژه در مسئله قره



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



جمهوری آذربایجان، به بازخوانی زمینه‌های تاریخی پیوند دو کشور پرداخته است. امیراحمدیان تلاش کرده با مروری بر نگاه جامعه آذربایجان به ایران، مؤلفه‌های فرهنگی و تاریخی تأثیرگذار بر سیاست خارجی دو طرف را برجسته سازد. در ادامه این مسیر، سعید خاوری‌نژاد در کتاب خود با عنوان «ایران و جمهوری آذربایجان؛ واگرایی در بستر تعارض منافع» (۱۳۹۹) کوشیده است با تمرکز بر اشتراکات و تعارضات در منافع ملی، چارچوبی تحلیلی برای تبیین واگرایی‌های موجود در روابط دوجانبه ارائه دهد. او به‌ویژه به سیاست‌گذاری‌های متعارض دو کشور در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی توجه داشته و فرصت‌های موجود برای همکاری را نیز مورد بررسی قرار داده است.

در سطحی فراتر از روابط دوجانبه، آثار متعددی به بررسی جایگاه جمهوری آذربایجان در معادلات سه‌جانبه و منطقه‌ای پرداخته‌اند. کتاب مورینسون با عنوان «توافق ترکیه با اسرائیل و آذربایجان» (۲۰۲۰) یکی از این نمونه‌هاست که ضمن تحلیل فراز و فرود روابط ترکیه و اسرائیل، به بررسی جایگاه آذربایجان در این مناسبات پرداخته و آن را به‌عنوان حلقه‌ای راهبردی در پیوند منطقه‌ای سه‌جانبه معرفی می‌کند. در همین زمینه، اثر لیندا لیندراستون با عنوان «اسرائیل و آذربایجان؛ محدودیت‌ها و ظرفیت‌ها (2021)» نشان می‌دهد که روابط نزدیک دیپلماتیک این دو کشور از زمان استقلال آذربایجان در سال ۱۹۹۱، به‌ویژه در سایه تهدیدات مشترک از سوی ایران، گسترش یافته و به الگویی از «روابط ویژه» در دیپلماسی اسرائیل تبدیل شده است.

همچنین روسیف حسینوف در مقاله‌ای منتشرشده در نشریه Turkeyscope (2016) با عنوان «سه‌گانه آذربایجان-اسرائیل-ترکیه و خاورمیانه بزرگ» به بررسی همکاری‌های امنیتی و اقتصادی موجود و بالقوه میان آذربایجان و اسرائیل پرداخته و جایگاه ترکیه را به‌عنوان شریک راهبردی در این معادله تحلیل کرده است. شمخال ابیلو نیز در مقاله‌ای با عنوان «روابط آذربایجان و اسرائیل: یک مشارکت غیردیپلماتیک، اما راهبردی» (۲۰۲۰) با تمرکز بر روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی دو کشور، نقش جوامع یهودی مقیم آذربایجان را در تقویت این پیوندها بررسی کرده و ریشه‌های تاریخی این روابط را به‌ویژه پس از فروپاشی شوروی تحلیل کرده است. مجموع این آثار، تصویری از تحولات روابط ایران و جمهوری آذربایجان و نیز جایگاه این کشور در نظم امنیتی نوپدید منطقه‌ای ارائه می‌دهند، اما هنوز نیاز به پژوهش‌هایی عمیق‌تر و مبتنی بر داده‌های میدانی برای درک دقیق‌تر از ابعاد پنهان یا کمتر بررسی‌شده این روابط احساس می‌شود.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کشورهایی که در منطقه‌ای خاص قرار دارند و از معضلات امنیتی مشابهی برخوردارند، بر اهمیت ساختار منطقه‌ای تأکید می‌ورزند. این رویکرد بوزان از تلاش برای یافتن راهی میانه میان پوزیتیویست‌ها و پست‌پوزیتیویست‌ها نشأت می‌گیرد (برزگر، ۱۳۸۷، ص. ۱۸۹).

ساختار بنیادین یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای دارای چهار متغیر است: مرز منطقه‌ای، ساختار آنارشیک (یعنی مجموعه‌ای متشکل از واحدهای خودمختار)، قطبش (توزیع مادی قدرت)، و ساخت اجتماعی که شامل الگوهای دوستی و دشمنی میان واحدهاست. دشمنی اشاره به روابطی دارد که سوءظن و ترس در آن‌ها غالب است، و دوستی شامل طیفی از روابط از دوستی واقعی تا انتظار حمایت و حفاظت را دربرمی‌گیرد (بوزان، ۱۳۷۸، ص. ۲۱۵).

از میان متغیرهای تشکیل‌دهنده یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای، الگوهای دوستی-دشمنی از اهمیت زیادی برخوردارند، زیرا نه تنها بعدی سازه‌نگارانه به نظریه‌ی بوزان می‌دهند و آن را از نظریات رئالیستی متمایز می‌سازند، بلکه نوع روابط حاکم بر کشورهای عضو یک مجموعه امنیتی را نیز تعیین می‌کنند. این نظریه بیان می‌دارد که توزیع قدرت به‌تنهایی برای برآورد الگوهای منازعه در منطقه یا نظام بین‌الملل کافی نیست، بلکه تاریخ، فرهنگ، مذهب و جغرافیا در شکل‌گیری مجموعه‌ای از ترس‌ها، تهدیدات و دوستی‌ها مؤثرند. (Buzan & Wæver, 2009, p. 16)

این نظریه مطالعات امنیت منطقه‌ای را در چهار سطح بررسی می‌کند: داخلی (آسیب‌پذیری دولت‌ها)، منطقه‌ای (نوع روابط میان کشورها)، جهانی (نقش قدرت‌های بزرگ) و سطح پیوندی این سه. بوزان، ویور و دووولد ابعاد امنیت را شامل مؤلفه‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و زیست‌محیطی می‌دانند. (Buzan & Wæver, 2009, p. 55) مجموعه‌های امنیتی می‌توانند به دو دسته‌ی همگن و ناهمگن تقسیم شوند. در نوع همگن، تعامل میان واحدهای مشابه و هم‌جنس در بخش‌های مشخص متمرکز است، ولی در نوع ناهمگن منطق منطقه‌ای بازیگرانی از بخش‌های متفاوت را درون خود جای می‌دهد (بوزان، ۱۳۸۶، ص. ۳۷).

در مطالعات امنیتی، محیط امنیتی با شرایط خاص خود، یکی از عناصر کلیدی در شناسایی مسائل امنیتی محسوب می‌شود. شناخت و ارزیابی دقیق آن سهم مهمی در تحلیل و پیش‌بینی تحولات دارد (عساریان‌نژاد و ترقی، ۱۳۸۷، ص. ۹۲). افزایش نقش محیط در درک و مدیریت امنیت باعث توجه بیشتر به مفهوم «محیط امنیتی» شده است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت درک تحولات امنیتی، وابسته به درک تغییرات در محیط امنیتی است (افتخاری، ۱۳۸۷، ص. ۳۰). محیط امنیتی فضایی است که در آن



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



الف) همگرایی با غرب

بیراه نیست اگر گفته شود که اولویت اول باکو در سیاست خارجی کشورش نزدیکی به غرب و همکاری و همگرایی با آن بلوک در تعاملات و تبادلات منطقه ای و بین المللی است. با توجه به اینکه جمهوری آذربایجان در تقسیم بندی قاره ای جهان، در نقشه جغرافیای سیاسی اروپا قرار گرفته، در درجه اول سعی می کند وارد ساختارهای اروپایی شده و خود را در آن چارچوب عرضه نماید. پارلمان و سازمان امنیت و همکاری اروپا دو ساختار و تشکلی است که تاکنون آذربایجان به عضویت آنها در آمده و تلاش می کند به عنوان یک عضو فعال در این دو ساختار عمل نماید. البته این عضویت تنها نتیجه تلاش خود باکو نیست بلکه از راهبرد های اصلی اروپا در توسعه و گسترش این قاره است، با این حال باکو در تلاش است در این عرصه ها خودی نشان داده و پر تحرک ظاهر شود (Ismailzade, 2004).

ب) حفظ رابطه متعارف با روسیه

در یکی دو سال اول استقلال بویژه در دوره ریاست جمهوری کوتاه مدت ایلچی بیگ، رهبران باکو مناسبات خود را با مسکو به پائین ترین حد خود تنزل داده و حتی موضع گیری های تند و تخریبی شدیدی علیه روسیه اتخاذ کردند. ولی با روی کار آمدن حیدر علیف در سال ۱۹۹۳ م رویکرد نامتناسب با عرف دیپلماتیک قبلی تغییر یافت و حیدر علیف علی رغم انتقاداتی که نسبت به عملکرد مسکو در قبال کشورش خصوصا در مناقشه قره باغ داشت، تلاش کرد همواره یک رابطه دیپلماتیک معمولی و متعادل با رهبران روسیه داشته باشد چرا که می دانست با وجود فروپاشی شوروی، نقش روس ها در تحولات و معادلات قفقاز قابل انکار نیست و در هر صورت به نوعی باید با کرمیلین کنار آمد. این سیاست در حال حاضر نیز مد نظر است و رهبران کنونی حاکم بر جمهوری آذربایجان خط مشی ترسیم شده توسط حیدر علیف را در این خصوص پیگیری و اجرا می کنند. علی رغم انتقادات نسبت به عملکرد روسیه در موضوع قره باغ، آذربایجان همواره رابطه ای دیپلماتیک و متعارف با مسکو حفظ کرده است (Cornell, 2011) این سیاست همچنان در دوره الهام علی اف ادامه دارد.

پ) نگاه استراتژیک به آنکارا

روابط باکو- آنکارا در نوع خود ویژه و منحصر به فرد است و این دو کشور اراده لازم برای ترسیم و پیاده کردن یک رابطه کاملا صمیمی و در حد استراتژیک را از خود نشان داده اند. باکو در منطقه با هیچ کشوری به اندازه آنکارا روابط حسنه و دوستانه ندارد بطوری که سطح مطلوب مناسبات فعلی این



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



روسیه و ایران فاصله پیدا کرده و یا به آنها پشت کرده باشند. تضمین نتیجه بخشی تلاش های باکو در دراز مدت برای حل مشکلات عمده این کشور بویژه مناقشه قره باغ، مستلزم داشتن رابطه خوب و بدون تنش با کشورهایی مثل روسیه، ایران و برخی دیگر از کشورها و سازمان های منطقه ای و بین المللی در کنار رابطه صمیمی و همگرایی با دنیای غرب است. به نظر میرسد رهبران باکو با درک اهمیت این موضوع در راستای تحقق هرچه کاملتر آن حرکت می کنند و تا حدودی، توفیقاتی هم در این راه داشته اند.

۴. اقتصاد انرژی

از موضوعات مهم و تاثیرگذار در تداوم بحران قره باغ، مسایل مربوط به اقتصاد انرژی به ویژه نفت و کشمکش های پیرامون آن توسط بازیگران بین المللی مختلف در منطقه به گونه ای که هیچ کدام از بازیگران حاضر به چشم پوشی از این منطقه نمی باشند (Taylor, 2005:8). در این راستا، می توان چند مسئله اساسی را بررسی کرد: اول، دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و ترانزیتی ویژه، ظرفیت تبدیل شدن به چهار راهی بین المللی در تولید و انتقال نفت را دارا می باشد. از این رو است که شاهد رویارویی و تعارض منافع کشورهای نفتی جمهوری آذربایجان، ایران و روسیه در منطقه می باشیم (Carlman, 2010:7). از طرفی، جمهوری اسلامی ایران با وجود کنار گذاشته شدن از کنسرسیوم نفتی باکو - تفلیس - جیحان و از دست دادن مزیت های ترانزیت انرژی از خاک خود، تلاش می نماید تا با افزایش همگرایی کشورهای قفقاز جنوبی در حوزه انرژی ضمن تحت فشار قرار دادن بازیگران خارجی حاضر در منطقه، موقعیت اقتصاد نفتی خزر را باز یابد (واعظی، ۱۳۸۹: ۶۱). بنابراین، تداوم شرایط کنونی میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان و لاینجل مانند بحران قره باغ می تواند وزنه تاثیرگذاری بازیگران خارجی را افزایش داده و روند همگرایی منطقه ای را مسکوت گذارد. از طرفی، روسیه به دلیل بازی جمهوری آذربایجان در محور غرب و آمریکا و احداث خط لوله باکو - تفلیس - جیحان جهت کاهش وابستگی منطقه به انرژی روسیه در صدد است تا با تحت فشار قرار دادن جمهوری آذربایجان و کنترل ایران، موقعیت انحصاری خود در تولید و ترانزیت انرژی را حفظ نماید. بنابراین، این کشور به واسطه حفظ موقعیت اقتصاد انرژی خود، حداکثر سعی خود را خواهد نمود تا از نزدیکی بیشتر باکو به محور غرب در بحران قره باغ ممانعت کرده و با نفوذ در فعالیتهای میانجی گرانه گ روه مینسک و سایر بازیگران منطقه ای، جمهوری آذربایجان را متمایل به خود نماید (Scharf, 2006: 34). با وجود این شرایط، جمهوری آذربایجان در پس بحران قره باغ با جذب سرمایه گذار یها و حمایت های گسترده خارجی



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



رسانده‌اند. تل‌آویو با وجود دارا بودن رابطه با ارمنستان، حمایت خود را در عمل از باکو نشان داده و روابط خود با آذربایجان را بیش از پیش عمیق‌تر ساخته است.

الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان گفته است که روابط آذربایجان با رژیم صهیونیستی را به کوه یخی تشبیه کرده که تنها بخش اندکی از آن در معرض دید قرار دارد و نُه‌دهم آن در عمق آب قرار گرفته و قابل رویت نیست (رادگودرزی، ۱۳۹۵: ۱۸۸-۱۸۷) و البته واقعیت نیز، همین گفته رئیس‌جمهور آذربایجان را تصدیق می‌کند. ابعاد همکاری‌های نظامی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و دیپلماتیک طرفین، نشان از روابط بسیار مستحکم و روبه‌رشد باکو و تل‌آویو دارد؛ روابطی که می‌توان آن را در سطح استراتژیک توصیف کرد و آذربایجان را نزدیک‌ترین کشور مسلمان به تل‌آویو به شمار آورد. آذربایجان بعد از به دست آوردن استقلال در سال ۱۹۹۱ و به‌دنبال آن شکست در جنگ قره‌باغ و واگذار کردن یک‌پنجم از خاک خود، سعی کرد با یافتن متحدان استراتژیک قدرتمند اولاً از حلقه قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و بین‌المللی (روسیه در شمال، ایران در جنوب) رهایی یابد و دوماً بتواند با کمک این کشورها تمامیت ارضی خود را حفظ کند و در مناقشه قره‌باغ دست برتر را داشته باشد. باکو با عنایت به حمایت روسیه از ارمنستان و به بهانه ترس از ایران و انقلاب اسلامی، تلاش کرد که از همان روزهای اول با غرب از در دوستی درآید و حمایت آنها را برای پیروزی در جنگ قره‌باغ و نقش‌آفرینی بیشتر در قفقاز جلب کند

۶. تاثیر انرژی بر روابط ایران و آذربایجان

در قفقاز بیشترین حجم تجارت ایران با جمهوری آذربایجان است. این کشور پر جمعیت‌ترین، بزرگ‌ترین و قوی‌ترین اقتصاد قفقاز را دارد. ظرفیت‌های زیادی دارد و اقتصادی انرژی محور دارد. انرژی در دهه نود میلادی تبدیل به عامل رقابت و اختلاف بین ایران و جمهوری آذربایجان شده بود. مخصوصاً در دهه نود با توجه به برآوردهای غیر واقع‌بینانه و بزرگنمایی‌هایی که در رابطه با ذخایر نفت و گاز حوزه خزر شد، شاهد هجوم شرکت‌های چند ملیتی به حوزه خزر از جمله به جمهوری آذربایجان بودیم. پای شرکت‌های چند ملیتی به این حوزه باز شد، آن هم در وضعیتی که رژیم حقوقی دریای خزر مشخص نبود. ایران از پروژه قرن ۱۹۹۴ آذربایجان کنار گذاشته شد و جمهوری آذربایجان نقش فعالی را در سیاست خطوط لوله بازی کرد که مورد حمایت غرب به ویژه امریکا برای حذف ایران و روسیه از مسیرهای خطوط انتقال انرژی بود که در دوره کلیتون و حتی دوره بوش ادامه پیدا کرد. خط لوله ناباکو، باکو- تفلیس- جیحان و حتی ترانس خزر که طرحش هیچ وقت از ترکمنستان به آذربایجان



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



سیاست خطوط لوله بازی کرد که مورد حمایت غرب به ویژه آمریکا برای حذف ایران و روسیه از مسیرهای خطوط انتقال انرژی بود که در دوره کلینتون و حتی دوره بوش ادامه پیدا کرد. خط لوله ناباکو، باکو-تفلیس-جیحان و حتی ترانس خزر که طرحش هیچ‌وقت از ترکمنستان به آذربایجان از بستر دریای خزر اجرا نشد، همه این‌ها برای حذف ایران و روسیه از خطوط لوله بود. در این مقطع تنها مورد شایان توجه سواپ گاز بود که در نخجوان انجام شد. تقریباً روزی یک میلیون مترمکعب گاز برای نخجوان سواپ می‌شود. اما در مجموع از ظرفیت انرژی در روابط دو کشور خوب استفاده نشد. بیشتر عامل رقابت و اختلاف بر همکاری و تعامل چربش داشت. اما در دو سه سال اخیر در روند بهبود روابط سیاسی دو کشور اتفاقات جدیدی در حوزه انرژی افتاده است که بسیار شایان توجه است. ایران برای توسعه فاز دوم میدان گازی شاه دنیز جمهوری آذربایجان که از ده سال قبل حضور داشتیم دعوت شده است. ده درصد سهم میدان شاه دنیز برای ایران است. جمهوری آذربایجان تمایل دارد که حضور ایران بیشتر شود. علت آن این است که بعد از اختلافات روسیه با اروپا بر سر موضوع اوکراین و تأکیدی که سند استراتژی انرژی اتحادیه اروپا بر روی تنوع بخشی به منابع وارداتی گاز اروپا کرده است، یکی از آلترناتیوهای گاز روسیه، منابع گازی جمهوری آذربایجان است که از این طریق از میزان وابستگی گاز اروپا به روسیه کاسته می‌شود. مسیر جنوبی صادرات گاز به اروپا به یونان و ایتالیا و جنوب اروپا تعریف شد که مبدا آن میدان گازی شاه دنیز جمهوری آذربایجان است. دو خط لوله به نام تاپ و تاناب تعریف شده است که از مسیر ترکیه به یونان و ایتالیا وصل می‌شود.

این خطوط قرار است تا ۲۰۱۸ یا ۲۰۱۹ افتتاح شود. یک نگرانی وجود دارد که شاه دنیز نتواند پاسخگوی حجم عظیم گازی این خطوط لوله را با ظرفیت فعلی باشد. از این رو جمهوری آذربایجان به شدت نیازمند افزایش ظرفیت توان تولید میدان شاه دنیز است که بتواند هم نیازهای داخلی آذربایجان و هم خطوط متعدد صادراتی موجود و نیز گاز مورد نیاز تاپ و تاناب را تأمین کند. به همین دلیل، جمهوری آذربایجان از ایران برای مشارکت در توسعه میدان شاه دنیز و هم صادرات گاز به تاپ و تاناب دعوت کرده است (کالچی، ۱۳۹۵). برای حضور بیشتر میدان شاه دنیز، وزارت نفت موافق حضور ما است و مذاکراتی هم صورت گرفته است. اما در مورد تاپ و تاناب، ایران ملاحظاتی دارد. موافق قیمت گاز صادراتی نیست. این قیمت را استاندارد با قیمت‌های کنونی بازار گاز نمی‌بیند. لذا تمایلی از طرف وزارت نفت و شرکت ملی گاز ایران در حال حاضر برای مشارکت در تاپ و تاناب دیده نمی‌شود. یک بخش دیگر موضوع این است که خود ما نیاز به افزایش ظرفیت تولید داریم تا بتوانیم گاز داخل را تأمین کنیم



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



گذشته در حوزه انرژی ایران با آذربایجان همکاری داشته است، از جمله نفت این کشور را به نخجوان و یا ترکیه سوپ و یا ترانزیت می‌شد. در حال حاضر نیز در حوزه نفت و گاز خزر و رژیم حقوقی و استفاده از منابع بستر خزر با هم همکاری و مذاکراتی داشته‌ایم، اما مسئله اینکه وضعیت فعلی منطقه از یک طرف علیرغم اینکه جنگ قره‌باغ بین آذربایجان و ارمنستان به پایان رسیده، هنوز به صلح نرسیده‌اند و در نتیجه حضور کشورهای خارجی در منطقه و مرزهای ایران مشکلاتی ایجاد می‌کند و متأسفانه جریان‌ات فکری جدایی طلب از شرایط منطقه سوءاستفاده کرده و سعی در ایجاد تشنج در منطقه دارند. مسئله دیگر حضور دولت‌ها و گروه‌های تجزیه طلب در منطقه جهت ایجاد ناامنی است، همچنین گروه‌های تروریستی، داعش و حضور رژیم صهیونیستی در خزر یک خط قرمز است که لازم است با همکاری دوجانبه از بین برود. خزر و رژیم حقوقی آن و گروه‌های تروریستی از جمله موضوعات دو کشور است که توسعه روابط دوجانبه و رفع برخی از سوءتفاهمات می‌تواند به حل این موضوعات کمک کند. در شرایط فعلی مذاکرات دو کشور می‌تواند نتایج خوبی در پی داشته باشد و ماحصل آن می‌تواند منجر به این شود که ایران به دستاوردهای خوبی برسد و آذربایجان هم می‌تواند از این فرصت استفاده کرده و از پتانسیل‌های اقتصادی، سیاسی و منطقه‌ای ایران استفاده کند و خط ریل شمال به جنوب برای رسیدن به آب‌های خلیج فارس و عمان از مسیر ایران هم به توسعه بازرگانی دو کشور کمک می‌کند. هنوز رژیم حقوقی خزر مشخص نیست و در زمینه بهره‌برداری از ذخایر نفت و گاز بستر یک تفاهمنامه وجود ندارد و خط‌کشی‌ها انجام نشده، هر دو کشور سکوه‌های نفتی خود را احداث کرده و برداشت دارند، اما قانون مشخصی نداشته که این منجر به تقابل و تعارض منافع شده و اختلافاتی به وجود می‌آید. علاوه بر مباحث مربوط به رژیم حقوقی خزر با توجه به شرایط بحرانی منطقه و ظهور طالبان، داعش، جنگ اوکراین، قره‌باغ و اختلافات منطقه‌ای توجهات بیشتر به خاورمیانه معطوف شده ضمن اینکه مباحث هسته‌ای ایران هم مزید بر علت شده که به مباحث انرژی خزر کمتر پرداخته شده و این فرصتی شده کشورهای منطقه مثل ترکمنستان، روسیه و آذربایجان بیشترین منفعت را داشته باشند و با عقد قراردادهای دوجانبه و یا چندجانبه به منافع مشترک مهمی برسند. در هر حال ایران به خاطر تحریم و نبود سیاست مشخص در حوزه خزر به منافع کمتری از این منطقه رسیده در حالی که خزر می‌تواند پایگاه مهمی برای کشور ما جهت توسعه مناسبات انرژی، سیاسی و امنیتی منطقه باشد (مومنی، ۱۴۰۱).



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



می‌تواند به توسعه پایدار منطقه کمک کند. با توجه به اینکه ایران و آذربایجان هر دو عضو پروژه کریدور حمل و نقل بین‌المللی شمال-جنوب (INSTC) هستند، این همکاری می‌تواند زمینه‌ساز افزایش تبادلات تجاری و انرژی شود. (Kaleji, 2022) علاوه بر مسائل اقتصادی، تنش‌های سیاسی و قومی هنوز چالش‌هایی جدی برای روابط دو کشور محسوب می‌شود. مناقشه قره‌باغ و دخالت بازیگران خارجی در منطقه موجب شده است که هرگونه همکاری به دقت و حساسیت بیشتری نیاز داشته باشد. با این حال، ایران و آذربایجان برای حفظ ثبات و امنیت منطقه ناگزیر به گفت‌وگو و همکاری دوجانبه و چندجانبه هستند (مومنی، ۱۴۰۱). از سوی دیگر، پروژه‌های توسعه میدان گازی شاه دنیز و خطوط لوله تاپ و تاناب نقش مهمی در شکل‌دهی به مناسبات انرژی در منطقه دارند. با توجه به تأکید اتحادیه اروپا بر تنوع‌بخشی به منابع انرژی خود و کاهش وابستگی به گاز روسیه، جمهوری آذربایجان به دنبال تقویت همکاری با ایران است تا ظرفیت تولید و صادرات گاز خود را افزایش دهد. ایران نیز با وجود برخی ملاحظات اقتصادی و فنی، تمایل دارد در این پروژه‌ها مشارکت کند تا منافع اقتصادی و ژئوپلیتیکی خود را ارتقاء دهد (کالچی، ۱۳۹۵). در نهایت، با توجه به تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، روابط ایران و آذربایجان با تمام چالش‌ها و فرصت‌هایش، می‌تواند نقشی کلیدی در امنیت، ثبات و توسعه اقتصادی قفقاز و خلیج فارس ایفا کند. توجه به مسائل زیست‌محیطی مانند حفاظت از دریای خزر نیز از نکات مهمی است که نباید در همکاری‌های منطقه‌ای نادیده گرفته شود (کالچی، ۱۳۹۵).

نتیجه‌گیری

روابط آذربایجان و ایران بین بی‌اعتمادی و خصومت آشکار در نوسان است. با این حال، رویدادهای اخیر و بیانیه‌های رسمی نشان می‌دهد که دو طرف در تلاش برای تثبیت روابط خود هستند زیرا عمل‌گرایی باکو و تهران را تشویق می‌کند تا تنش‌ها را کاهش دهند. تحولات اخیر حاکی از تعمیق بی‌اعتمادی و تضاد بین دو همسایه با همسایگی تاریخی، فرهنگی و مذهبی است و این امر پیامدهای بلندمدتی برای روابط دوجانبه خواهد داشت. اتحاد در حال ظهور دولت یهود و یک کشور کوچک، غنی از انرژی و پس از شوروی که بین ایران و روسیه قرار گرفته است، توسط بسیاری به عنوان یک ناهنجاری تلقی شده است. سازه‌گرایان و صاحب‌نظران ژئوپلیتیک که هویت شیعی مشترک آذربایجان و ایران رابطه نزدیکی را برای آنها از پیش تعیین کرده بود، به ویژه گیج شده‌اند. در واقع، سوء ظن تهران به رشد اقتصادی آذربایجان، همراه با نگرانی در مورد احساسات پان‌ترکیستی که در شمال غرب ایران گسترش یافته است، و نوسان‌لری امپریالیستی خود ایران، روابط خصمانه را تشدید کرده است. در



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



اوراسیا به تجارت آزاد است. در حالی که آذربایجان با استفاده از یک شریک مهم در صحنه بین‌المللی، تسلیحات پیچیده‌ای از اسرائیل به دست آورده است، اسرائیل مقادیر زیادی نفت آذربایجان خریداری کرده است. رشد همکاری اسرائیل و آذربایجان در تهران بسیار نگران‌کننده بوده است. تهران در مناسبت‌های مختلف هشدارهای صریحی به باکو برای قطع همکاری داده است. گمانه‌زنی‌ها در مورد افزایش فعالیت‌ها - و رقابت متقابل - بین سرویس‌های مخفی ایران و اسرائیل در خاک آذربایجان فراوان است. مسئله آذربایجان در ایران مظهر تلاقی فزاینده بین امور قفقاز جنوبی و خاورمیانه است. کسانی که به دنبال تضعیف جمهوری اسلامی هستند احتمالاً به نظارت بر این موضوع با علاقه ادامه خواهند داد. و عوامل داخلی تضمین می‌کند که از بین نرود. در طول ۳۰ سال گذشته، روابط ایران و آذربایجان نسبتاً سرد باقی مانده است. مناقشه ۲۰۲۰ قره باغ کوهستانی بار دیگر ژئوپلیتیک منطقه را تغییر داد و بر روابط دوجانبه ایران و آذربایجان تأثیر منفی گذاشت. روابط آذربایجان با کشورهای منطقه مانند ترکیه و اسرائیل بیش از همه ایران را نگران کرده است. حتی پس از حمله به سفارت، رئیس‌جمهور ایران و همتای آذربایجانی‌اش توافق کردند که این حادثه نباید بر روابط دوجانبه تأثیر بگذارد. علیرغم این تحولات ژئوپلیتیکی، همکاری‌های زیادی برای دو کشور از جمله اتصال و انرژی وجود دارد که به نفع منطقه و فراتر از آن خواهد بود. عواملی مانند داشتن تاریخ و فرهنگ مشترک و پتانسیل‌های همکاری اقتصادی به عنوان یک محرک برای توسعه روابط دوجانبه اما روابط با موانع و عوامل بازدارنده‌ای مانند تداوم اختلافات در مورد رژیم حقوقی دریای خزر، روابط با اسرائیل و آمریکا و الحاق آذربایجان به ناتو وجود دارد. مقامات آذربایجان همچنین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال مسئله قره باغ و روابط گسترده با ارمنستان را مهمترین مانع در راه بهبود روابط دو کشور می‌دانند. بنابراین علیرغم وجود برخی فرصت‌ها برای بهبود روابط دوجانبه تهران و باکو، چالش برانگیز است.

بنابراین علیرغم ویژگی‌های همگرایی فراوان از جمله مذهب مشترک و تاریخ و فرهنگ مشترک، پتانسیل همکاری در روابط دو کشور وجود دارد و علیرغم تلاش‌ها برای توسعه روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی، عوامل مختلفی موجب شده است. باعث شد تا دو کشور نتوانند از ظرفیت‌های موجود برای همکاری استفاده کنند و روابط متقابل سرد باقی بماند. در زمینه روابط اقتصادی، سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۵ دوران طلایی روابط دوجانبه و تجارت جمهوری آذربایجان و ایران به عنوان اولین شریک آن بود. اما از سال ۱۳۷۴ تحت تأثیر سیاست‌های غرب محور و اخراج ایران از کنسرسیوم نفتی آذربایجان



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



Cordesman, Anthony (2015), The Changing Security Balance in the Gulf. Center for Strategic and International Studies, at: http://csis.org/program/changing_security_balance_in_the_gulf.

Hampton, Kelsey. (2014). "Doctrinally and Politically Opposed on the Battlefield in Syria: Iran and the US's CoddWrr nnnhlee ddd deeE"""""""" htt om oo us.. bbbrrrry 2015.

Kaleji, V. (2022, May 16). Will Russia Complete Iran's Rasht–Astara Railway? The Jamestown Foundation. Retrieved March 6, 2023, from <https://jamestown.org/program/will-russia-complete-irans-rasht-astara-railway/>

Kazemipur, A., & Rezaei, A. (2003). Religious Life under Theocracy: The Case of Iran. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 42(3), 347–361. Retrieved June 8, 2023, from <http://www.jstor.org/stable/1387739>

Remaining section of Rasht-Chelavend gas pipeline will be completed in 2-3 months. It will add 5.5 bcm to gas transportation capacity between Iran and Azerbaijan. (2023, February 16).

Gurbanov, I. (2018, November 26). Despite US Sanctions on Iran, Green Light for the Southern Gas Corridor. The Jamestown Foundation. Retrieved June 8, 2023,

Wani, A. (2023, February 3). Slow, Not Steady: Assessing the Status of India-Eurasia Connectivity Projects. www.orfonline.org/research

